

دکتر تیبریوس راتا، عزرا-نهمیا

جلسه 4، عزرا 7-8

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تیبریوس راتا در حال تدریس در مورد کتاب‌های عزرا و نحمیا است. این جلسه ۴، عزرا ۷-۸ است.

کتاب مقدس خود را به فصل هفتم عزرا باز کنید.

ما دوباره با عزرا روبرو می‌شویم، کسی که کتاب به نام او نامگذاری شده است. بنابراین، اولین چیزی که می‌بینیم این است که او توسط خدا فرستاده شده است، از آیه اول شروع می‌شود، ما دوباره وقایع‌نگاری پیشینه تاریخی را داریم زیرا ما در دوران سلطنت اردشیر هستیم. بنابراین درک این موضوع بسیار مهم است زیرا، باز هم، کمی غیرعادی است.

باز هم، فصل‌های اول تا ششم با اولین سال سلطنت کوروش آغاز می‌شوند و با هفتمین سال سلطنت داریوش، یعنی یک دوره ۲۰ ساله، پایان می‌یابند. کل دوره زمانی که شش فصل اول را پوشش می‌دهد، بیش از ۸۰ سال از کوروش تا اردشیر را در بر می‌گیرد، بنابراین درک این موضوع بسیار مهم است.

بنابراین، فصل هفتم، وقتی با «اکنون» شروع می‌شود، به روایت قبلی که در فصل‌های پنجم و ششم به تفصیل آمده است، اشاره دارد. و سپس گزارش داریوش و سپس بازسازی معبد را دارید. و سپس با عزرا آشنا می‌شویم، از آیه ششم شروع می‌شود: «این عزرا از بابل آمد. او کاتبی ماهر در شریعت موسی بود که خداوند خدای اسرائیل، به او داده بود و پادشاه هر آنچه را که از دست خداوند، خدایش، با او بود، به او عطا می‌کرد.» این اولین باری است که نام عزرا در کتاب ظاهر می‌شود.

است، که به معنی یهوه کمک Azaria حال، عزرا یک نام عبری نیست. در واقع شکل آرامی کلمه عبری می‌کند یا یهوه کمک کرده است. حال، دوباره، آرامی و عبری زبان‌های خواهر هستند.

آنها خیلی به هم نزدیک هستند. اما اینجا در فصل هفتم خیلی جالب است که او نسب خود را به هارون برادر موسی، می‌رساند که در اینجا به عنوان کاهن اعظم معرفی شده است. اما عزرا به عنوان کاهن اعظم معرفی نشده است زیرا او در واقع فقط یک کاتب است.

عزرا به عنوان کاهن اعظم معرفی نشده است، اما از آنجایی که از نسل هارون است، به عنوان کاهن به اورشلیم آمد. جد او، ساریا، حدود ۱۳۰ سال پیش توسط نبوکدنصر کشته شد، همانطور که در دوم پادشاهان ۲۵ گزارش شده است. بنابراین، شجره‌نامه‌ای که در ابتدای فصل هفتم داریم، چند نسل را پشت سر می‌گذارد.

باز هم، این موضوع وقتی با شجره‌نامه‌ها سروکار داریم، غیرمعمول نیست. ما نمی‌دانیم عزرا چقدر برای دربار ایران مهم بوده است. برخی از محققان معتقدند که او دبیر امور یهودیان در دولت ایران بوده است.

ما دقیقاً نمی‌دانیم. می‌دانیم که او از زمانی که پادشاه این مأموریت بسیار مهم را به او واگذار کرد، مقام مهمی داشت. و باز هم، در اینجا تأکید می‌شود که موفقیت عزرا هیچ ارتباطی با مقام سیاسی او ندارد.

موفقیت او به خاطر دست خدا بر اوست. باز هم، شخصیت اصلی داستان عزرا نیست؛ شخصیت اصلی خود خداست.

در این کتاب بار دیگر بر حاکمیت خداوند تأکید شده است. آیات هفت تا ده، قلب عزرا را برای ما توصیف می‌کنند و آیات هفت تا ده، کلید این موضوع در کل کتاب هستند.

و همچنین در سال هفتم سلطنت اردشیر پادشاه، برخی از بنی اسرائیل و برخی از کاهنان و لویان^۷ سرایندگان، نگهبانان دروازه و خادمان معبد به اورشلیم رفتند. ^۸ و عزرا در ماه پنجم، که از سال هفتم پادشاه بود، به اورشلیم آمد ^۹ زیرا در روز اول ماه اول، او شروع به خروج از بابل کرد و در روز اول ماه پنجم، به اورشلیم رسید، زیرا دست نیکوی خدایش با او بود. ^{۱۰} زیرا عزرا دل خود را به مطالعه شریعت خداوند و انجام آن و تعلیم فرایض و احکام او در اسرائیل سپرده بود.

چرا؟ زیرا دست نیکوی خدایش با او بود. و سپس آیه دهم کلید درک عزرا است. زیرا عزرا قلب خود را بر مطالعه شریعت خداوند و انجام آن و آموزش فرایض و احکام او در اسرائیل گذاشته بود.

این آیه بسیار بسیار مهم، عزرا را توصیف می‌کند. چیزی که عزرا را متمایز می‌کرد، قلب او بود، زیرا قلب او وقف مطالعه شریعت خداوند شده بود. حالا لطفاً به ترتیب مراحل توجه کنید.

این بود که شریعت خداوند را مطالعه کنیم، از آن اطاعت کنیم، آنچه را که می‌گوید انجام دهیم و سپس آن را آموزش دهیم. اینها به ترتیب هستند. عزرا به عنوان نمونه‌ای برای همه رهبران خداترس عمل می‌کند که قبل از اینکه برخیزند و بگویند، این خداوند است. آنها باید بدانند که خداوند چه می‌گوید.

بنابراین، او می‌داند کتاب مقدس چه می‌گوید، و سپس آنچه را که می‌گوید انجام می‌دهد، و سپس آن را تعلیم می‌دهد. درس بسیار بسیار مهمی برای ما. این فقط انجام دادن کاری که من می‌گویم نیست، بلکه انجام دادن کاری است که من انجام می‌دهم.

ما باید با الگو بودن، رهبری کنیم. عزرا قلب خود را نه تنها برای دانستن شریعت خدا، بلکه برای اطاعت از آن قرار می‌دهد. و وقتی این کار را انجام داد، می‌تواند آن را به دیگران نیز بیاموزد.

من به یاد سخنان عیسی مسیح می‌افتم وقتی که با فریسیان و صدوقیان صحبت می‌کند. به یاد داشته باشید، عیسی آنها را ریاکار می‌نامد. چرا؟ چون آنها یک چیز را آموزش می‌دادند و چیز دیگری را انجام می‌دادند.

و ریاکاری یکی از موانع اصلی برای کسانی بود که می‌خواستند از عیسی پیروی کنند. این ریاکاری به اصطلاح رهبران آن زمان بود. اما ریاکاری در دوران عهد جدید زاده نشده بود.

بلکه، این مفهوم در دوران عهد عتیق بارها و بارها تعریف شده است، زمانی که مردم با وجود دانستن شریعت خدا، مرتکب اعمال شیطانی می‌شدند و یک چیز می‌گفتند و کار دیگری انجام می‌دادند. اما از آنجا که عزرا خدا و قومش را دوست دارد، قلب خود را نه تنها بر دانستن همه شریعت، بلکه بر اطاعت از آن و سپس آموزش آن بنا می‌کند. من این را به شیوه‌ای که درک کینر بیان می‌کند، می‌پسندم.

او می‌گوید عزرا یک اصلاح‌گر نمونه بود، به این معنا که آنچه را که تعلیم می‌داد، در ابتدا خود نیز به آن عمل می‌کرد. و آنچه را که در زندگی خود به آن پایبند بود، در ابتدا در کتاب مقدس از آن اطمینان حاصل می‌کرد. با قرار دادن آگاهانه‌ی مطالعه، رفتار و تعلیم در این ترتیب صحیح، هر یک از آنها می‌توانست به درستی و به بهترین شکل عمل کند.

مطالعه از غیرواقعی بودن، رفتار از عدم قطعیت و آموزش از ریاکاری و سطحی بودن حفظ شد. نقل قولی بسیار عالی از درک کیدنر. هشت بار در کتاب عزرا و نحمیا به ما گفته می‌شود که دست خدا بر عزرا یا نحمیا بود.

و می‌بینیم که خدا دوباره حاکم مطلق است و با مردان خدا، در این مورد، عزرا، که خدا و شریعت او و قوم او را دوست دارد، می‌باشد. و سپس دوباره، به سمت هدایت قلب پادشاه توسط خدا حرکت می‌کنیم. باز هم این خداست که در قلب یک پادشاه بت‌پرست کار می‌کند، که از آیه ۱۱ شروع می‌شود.

این رونوشت نامه‌ای است که اردشیر پادشاه به عزرای کاهن و کاتب، مردی آگاه به احکام خداوند و ۱۱ فریاض او برای اسرائیل، داد: ۱۲ «اردشیر، شاه شاهان، به عزرای کاهن، کاتب شریعت خدای آسمان. سلام. ۲ اکنون ۱۳ من فرمان می‌دهم که هر کسی از قوم اسرائیل یا کاهنان یا لاویان آنها در قلمرو من که داوطلبانه پیشنهاد رفتن به اورشلیم را بدهد، می‌تواند با تو بیاید. ۱۴ زیرا تو از جانب پادشاه و هفت مشاورش فرستاده شده‌ای تا بر اساس شریعت خدایت که در دست توست، درباره یهودا و اورشلیم تحقیق کنی، ۱۵ و همچنین برای حمل نقره و طلاپی که پادشاه و مشاورانش آزادانه به خدای اسرائیل، که مسکن او در اورشلیم است اهدا کرده‌اند، ۱۶ با تمام نقره و طلاپی که در سراسر استان بابل خواهید یافت، و با هدایای داوطلبانه مردم و کاهنان که با میل و رغبت برای خانه خدای خود که در اورشلیم است نذر کرده‌اند.

باز هم، ما در اینجا در آیه ۱۱ یک تغییر داریم که به زبان عبری شروع می‌شود، اما آیات ۱۲ تا ۲۶ به زبان آرامی هستند. به یاد داشته باشید، چون زبان آرامی زبان سلطنتی است، پادشاه نامه‌ای را می‌نویسد که به زبان میانجی آن زمان، زبان تجارت و کسب و کار، خواهد بود. باز هم، زبان سلطنتی، ارتباطات دیپلماتیک است.

و این به زبان آرامی است. جالب اینجاست که اردشیر خود را پادشاه پادشاهان می‌نامد. حال، این یک تشابه یک تشابه مستقیم با عیسی نیست.

این چیزی است که شما نباید آن را از نظر مسیح‌شناسی تفسیر کنید. کاری که او اینجا انجام می‌دهد در واقع بسیاری از پادشاهان ایرانی خود را اینگونه می‌نامیدند. به یاد داشته باشید، در زبان عبری و آرامی، هیچ صفت عالی وجود ندارد.

good، better، best یا bad، worse، worst در انگلیسی چیزی شبیه به این وجود ندارد، ما کلماتی مثل داریم. آنها چنین کلماتی نداشتند. بنابراین، اگر می‌خواستید بهترین چیز را بگویید، فقط کلمه را به صورت جمع تکرار می‌کردید.

بنابراین، اگر بخواهی والاترین پادشاه را بگویی، می‌گویی پادشاه پادشاهان. اگر بخواهی والاترین پروردگار را بگویی، می‌گویی رب الارباب. اگر بخواهی زیباترین سرود را بگویی، می‌گویی ترانه‌ی سرودها.

بنابراین این چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. او می‌گوید، هی، من بزرگترین هستم. بدیهی است که فروتنی یکی از نقاط قوت اردشیر نبود.

اما اردشیر به یاد می‌آورد و می‌فهمد که خدا، خدای آسمان است. و او می‌فهمد که عزرا مردی است که خدا او را فرا می‌خواند تا در اینجا برای او کار کند. باز هم، بسیار جالب است که نامه اردشیر، درست مانند آنچه در گذشته دیده‌ایم، موازی با رویداد خروج است.

درست مانند رویداد خروج، بنی اسرائیل با نقره و طلا و غنیمت بیرون می آیند، همانطور که در خروج ۱۱ و می بینیم، اینجا هم همین اتفاق می افتد. این نوعی خروج دوم است. و بعد همه این هدایای داوطلبانه را ۱۲ دارید.

تو نقره و طلایی داری که آنها با خود می آورند. آیه ۱۷.

پس با این پول، با دقت تمام، گاو نر، قوچ و بره، همراه با هدایای آردی و هدایای نوشیدنی آنها، بخر و ۱۷ آنها را بر قربانگاه خانه خدای خود که در اورشلیم است، تقدیم کن. ۱۸ هر کاری که به نظر تو و برادرانت خوب است با بقیه نقره و طلا انجام دهید، می توانید طبق خواست خدای خود انجام دهید. ۱۹ ظروفی را که برای خدمت خانه خدایت به تو داده شده است، به حضور خدای اورشلیم تحویل بده. ۲۰ و هر چیز دیگری که لازم باشد، درست مانند پادشاهان قبلی قبل از او، هر چیز دیگری که برای خانه خدای شما لازم باشد و تهیه آن بر عهده شما باشد، می توانید آن را از خزانه پادشاه تهیه کنید.

باز هم، اردشیر چگونه از الزامات قربانی برای یهوه مطلع بود؟ آیا ممکن است دوباره عزرا با او در مورد تاریخش صحبت کرده باشد؟ ما نمی دانیم. اما می دانیم که او به مردم اجازه می دهد که برگردند و نه تنها برگردند، بلکه از پول خزانه پادشاه نیز استفاده کنند.

هر چیز دیگری که برای خانه خدای شما لازم است. این به آن معنا نیست که اردشیر یک پرستنده یهوه است. فقط به این معناست که او از نظر مذهبی بردبار است و به عزرا اجازه می دهد که برگردد و خانه را بازسازی کند.

او ادامه می دهد، آیه ۲۱،

و من، اردشیر پادشاه، به تمام خزانه داران استان ماورای رودخانه فرمان می دهم که هر چه عزرای کاهن و «کاتب شریعت خدای آسمان از شما بخواهد، با دقت تمام انجام دهید».

و سپس او در واقع صد وزنه نقره را نام می برد.

او از گندم، شراب، روغن و غیره نام می برد. آیات ۲۳ و

هر آنچه خدای آسمان فرمان داده است، باید برای خانه خدای آسمان به طور کامل انجام شود، مبادا ۲۳ خشم او بر قلمرو پادشاه و پسرانش نازل شود. ۲۴ همچنین به شما اطلاع می دهیم که تحمیل جزیه، مالیات یا عوارض بر هیچ یک از کاهنان، لایوان، سرایندگان، دربانان، خادمان معبد یا سایر خادمان این خانه خدا جایز نیست.

این خیرخواهی در اردشیر از کجا آمده است؟ او قطعاً پادشاهی بسیار سخاوتمند است. او می خواهد خواست خدا انجام شود. باز هم، برخی از محققان می گویند، خب، این به دلیل تمام خراجهایی است که به خزانه امپراتوری پارس پرداخت می شد.

ما نمی دانیم. ما می دانیم که او در واقع روحانیون را از چیزی که ما آن را معاف از مالیات می نامیم، معاف کرده است. او نمی خواهد هیچ مالیاتی بر افرادی که در معبد کار می کنند، اعمال شود.

آیه ۲۵، ۲۵ «و تو، ای عزرا، بر اساس حکمت خدای خود که در دست توست، داوران و قاضیانی را منصوب کن که بتوانند بر همه مردم استان ماوراء النهر داوری کنند، از همه آنان که قوانین خدای تو را می دانند. و به

کسانی که آنها را نمی‌دانند، تعلیم بده. « ۲۶ هر که از شریعت خدای تو و شریعت پادشاه اطاعت نکند، حکم بر او سخت اجرا شود، خواه به مرگ یا تبعید یا مصادره اموال یا حبس.»

بنابراین، اکنون، در نامه‌اش، پادشاه مستقیماً عزرا را مخاطب قرار می‌دهد. و لطفاً توجه داشته باشید که پادشاه متوجه می‌شود. پادشاه می‌فهمد که عزرا مرد خداست و از حکمت الهی برخوردار است.

بر اساس حکمت الهی که در دست شماست، یک پادشاه بت‌پرست می‌تواند حکمت خدا را در کسی تشخیص دهد. این قابل توجه است. و باز هم، ما کار خدا را در دست می‌بینیم.

پاسخ چیست؟ مبارک باد، آیات ۲۷ و ۲۸.

مبارک باد یهوه، خدای پدران ما، که چنین چیزی را در دل پادشاه نهاد تا خانه خداوند را که در اورشلیم ۲۷ است زینت دهد، ۲۸ و او که محبت پایدار خود را در حضور پادشاه و مشاورانش و در حضور همهٔ مأموران قدرتمند پادشاه به من ابراز کرد. من جرأت یافتم، زیرا دست یهوه، خدای من، بر من بود و مردان برجستهٔ اسرائیل را گرد آوردم تا با من برآیند.

این پادشاه نیست. خداوند متعال مبارک باد. همه چیز به خدا بازمی‌گردد.

این عبارت، مبارک باد خداوند، خدای پدران ما، فقط در اینجا در عهد عتیق آمده است. اگرچه عبارت مبارک باد خداوند، حدود ۲۷ بار در عهد عتیق آمده است. مبارک باد خداوند، خدای پدران ما، فقط در اینجا در کل عهد عتیق آمده است.

باز هم، می‌بینیم که عزرا تلاش می‌کند تا خدا را برای هر اتفاقی که می‌افتد ستایش و جلال دهد. باز هم، عزرا به عنوان الگوی خوبی برای رهبران مسیحی و خداترس امروزی عمل می‌کند. مانند عزرا، ما باید در برخورد با کلام خدا مهارت داشته باشیم.

این مهارت ارثی نیست. نمی‌توانید آن را دانلود کنید. در واقع کار سختی است.

این امر مستلزم مطالعه کتاب مقدس است. هیچ چیز دلسردکننده‌تر از یک معلم تنبل کتاب مقدس نیست و هیچ چیز دلگرم‌کننده‌تر از یک معلم کوشا و پر از روحیه نیست که در مطالعه شریعت خداوند، از الگوی عزرا پیروی می‌کند.

مطالعه کنیم، بدانیم شریعت چه می‌گوید، بدانیم کلام خدا چه می‌گوید قبل از اینکه برخیزیم و بگویم خداوند چنین می‌گوید. و عزرا متوجه شد که همه کارها را خودش انجام نمی‌دهد. او باید کارها را به دیگران واگذار می‌کرد.

این همچنین نشانه فروتنی بود. همچنین نشانه خرد و بصیرت وجود دارد. ما باید خرد الهی داشته باشیم که در آن فروتن باشیم و یاد بگیریم که کارها را به دیگران واگذار کنیم.

عزرا چنین رهبری بود. سپس به فصل هشتم می‌رویم. دوباره، درست مانند اوایل کتاب عزرا، فهرست دیگری از سران خانواده‌هایی که بازگشتند، داریم.

و ما از آیه اول، آیات اول تا ۱۴ شروع می‌کنیم. اینها رؤسای خاندان‌های پدر هستند. بنابراین دوباره، از همه نام برده نشده است.

ما نباید دنبال یک لیست جامع از افرادی که برگشتند باشیم. ما چنین لیستی را در هیچ کجا نداریم. اما اینجا لیستی از روسای خانه‌های پدری‌شان داریم.

این شجره‌نامه‌ی کسانی است که با من از بابل آمدند. باز هم، اسکناس روبل حدود ۵۰،۰۰۰ بود. حالا صحبت از ۲۰۰۰ روبل است. آنها با عزرا برگشتند.

دوباره، چند نکته را اینجا می‌بینیم که عزرا از زبان اول شخص می‌نویسد. محققان این را خاطرات عزرا می‌نامند. هر زمان که عزرا از زبان اول شخص می‌نویسد، آن بخش از خاطرات عزرا است.

وقتی نحمیا از زبان اول شخص می‌نویسد، بخشی از خاطرات نحمیا باشید. حالا، دوباره، کتاب یکی بود. عزرا و نحمیا، چه کسی آن را نوشت؟ خب، به نظر می‌رسد که هم عزرا و هم نحمیا مسئول مطالب موجود در آن کتاب‌ها هستند.

و بعد کسی مجبور شد آن را کنار هم بگذارد. برخی می‌گویند عزرا بوده است. برخی می‌گویند نحمیا بوده است.

مطمئن نیستم، ما هرگز نخواهیم دانست. اما به دلیل آغاز کتاب عزرا و پایان کتاب دوم تواریخ، و سپس برخی شباهت‌ها با کتاب ارمیا، برخی می‌گویند، ارمیا، شاید اورت برخی از این بخش‌ها را نوشته باشد. برخی می‌گویند عزرا پایان تواریخ، آغاز کتاب عزرا و شاید حتی درباره سقوط اورشلیم نوشته است.

باز هم، ما به طور قطعی نمی‌دانیم. می‌دانیم که پایان دوم تواریخ و آغاز عزرا تقریباً یکسان است. اما در اینجا، باز هم، این واقعیت که به صورت اول شخص نوشته شده است، نشان می‌دهد که خود عزرا آن را نوشته است.

آیات ۱۵ تا ۲۰ درباره خادمان معبد خدای ما صحبت می‌کنند.

من آنها را نزد رودخانه‌ای که به اهوا می‌رود جمع کردم و سه روز در آنجا اردو زدیم. وقتی قوم و کاهنان را ۱۵ بررسی کردم، هیچ یک از پسران لاوی را در آنجا نیافتم. ۱۶ آنگاه الیعزر، آریئیل، شمعیاء، الناتان، یاریب، الناتان، ناتان، زکریا و مشلام، مردان برجسته، و یویاریب و الناتان را که مردانی خردمند بودند، فراخواندم. ۱۷ و ایشان را نزد عِدو، مرد برجسته در کاسفیا، فرستادم و به ایشان گفتم که به عِدو و برادرانش و خادمان معبد در کاسفیا چه بگویند یعنی اینکه خادمانی برای خانه خدای ما بفرستند.

باز هم، در این فاصله، در دوره تبعید، هیچ کاری در معبد انجام نمی‌شد. چه اتفاقی برای این مردم افتاده است؟ و به لطف خدا، مردی خردمند از فرزندان مالی، پسر لاوی، پسر اسرائیل، یعنی شریبا را به همراه پسران و خویشاوندانش، ۱۸ نفر، برای ما آوردند. بنابراین آنها ۱۸ نفر را پیدا کردند.

همچنین، حبیبیا، و به همراه او، اشعیاء، پسران مراری به همراه خویشاوندان و پسرانشان، ۲۰ نفر. بنابراین ۱۸ به علاوه ۲۰ نفر. و سپس، علاوه بر این، ۳۸ نفر از لاویان، و سپس علاوه بر ۲۲۰ نفر از خادمان معبد، که داوود و مقاماتش برای خدمت به لاویان تعیین کرده بودند، همگی به نام ذکر شده‌اند.

متن بسیار جالبی است. همانطور که عزرا بازگشتگان را در اهوا بازرسی می‌کند، آنها در اهوا هستند. باز هم، اهوا یکی از کانال‌هایی بود که از رودخانه فرات بیرون می‌آمد.

او می‌بیند که لاویان غایب هستند. و همانطور که در حال تحقیق هستند، سرانجام این لاویانی را که در کار معبد کمک می‌کردند، پیدا می‌کنند. و آنها خادمان معبدی دارند که به لاویان در انجام کار خدمت کمک می‌کنند.

باز هم، ما اینجا دست خدا را کاملاً حاضر می‌بینیم. و عزرا چه می‌کند؟ عزرا همان کاری را می‌کند که دیگر مردان و زنان بزرگ در کتاب مقدس انجام داده‌اند. آنها با روزه گرفتن در برابر خداوند فروتن می‌شوند.

سپس من در آنجا، در کنار رودخانه اهوا، روزه گرفتن را اعلام کردم تا بتوانیم خود را در برابر خدای خود ۲۱ فروتن کنیم و از او سفری امن برای خود، فرزندانمان و همه اموالمان بطلبیم. ۲۲ زیرا شرم داشتم که از پادشاه درخواست کنم گروهی از سربازان و سواران را برای محافظت از ما در برابر دشمن در مسیرمان بفرستد، زیرا به پادشاه گفته بودیم: «دست خدای ما برای خیرخواهی بر همه کسانی است که او را می‌جویند، و قدرت خشم او بر همه کسانی است که او را ترک می‌کنند.» ۲۳ پس ما روزه گرفتیم و از خدای خود برای این امر تضرع کردیم و او به تضرع ما گوش فرا داد.

اگر با دقت به عهد عتیق نگاه کنیم، تمام مردان و زنان بزرگ کتاب مقدس، مردان و زنانی اهل دعا و روزه بوده‌اند. و ما این را اینجا در مورد عزرا می‌بینیم. باز هم، یک نگرش فروتنانه

و باید از خودمان پرسیم، چرا روزه گرفتن در کلیسای امروزی خیلی بیشتر رواج ندارد؟ عیسی می‌گوید، وقتی من نباشم، آنها روزه خواهند گرفت. بنابراین، برای عیسی، روزه گرفتن یک انتظار مسیحی بود. اما وقتی در هر گوشه‌ای یک رستوران فست فود داریم، احتمالاً روزه گرفتن سخت است.

احتمالاً وقتی سحری می‌خوریم، روزه گرفتن سخت است. احتمالاً خیلی رایج نیست که کسی روزه بگیرد. اگر مهمانی بگیرید، احتمالاً مردم آنجا حاضر می‌شوند.

اما اگر با دقت نگاه کنیم، نه فقط در کتاب مقدس، بلکه در تاریخ کلیسا، دوباره می‌بینیم که همه مردان و زنان بزرگ کتاب مقدس و تاریخ کلیسا، مردان و زنانی اهل دعا و روزه بوده‌اند. روزه در قرون وسطی، زمانی که مردم از آن سوءاستفاده می‌کردند، شهرت بدی پیدا کرد. اما دوباره، اگر با دقت به کتاب مقدس نگاه کنید، باید بتوانیم این دو را به هم ربط دهیم.

من یک مثال از قدرت عظیم دعا و روزه برای شما می‌زنم. پدربزرگ همسرم تمام عمرش الکی بود. و نه تنها الکی بود، بلکه با مادر بزرگ همسرم بسیار بد رفتاری می‌کرد، او را مورد آزار و اذیت فیزیکی قرار می‌داد.

و از دیدگاه انسانی، هیچ کس نمی‌گفت که او مؤمن خواهد شد. بنابراین، ما از مردم خواستیم که برای او دعا کنند و روزه بگیرند. نه فقط از افراد خانواده خودمان، بلکه از سراسر جهان.

و دو سال قبل از مرگش، زندگی خود را به مسیح سپرد. و او ۱۸۰ درجه تغییر کرد و مرد خدا شد. و من این را به قدرت دعا و روزه نسبت می‌دهم.

باز هم، از نظر انسانی، هیچ دلیلی وجود ندارد که او هرگز مؤمن شود. اما من فکر می‌کنم قدرت دعا و روزه وجود دارد. و وقتی به کلیساها می‌روم و در مورد روزه صحبت می‌کنم، بیشتر اوقات، مردم طوری به من نگاه می‌کنند که انگار دیوانه‌ام.

اما افرادی که آن را به کار می‌گیرند، برمی‌گردند و می‌گویند، هی، من این کار را کردم و جواب داد. خیلی جالب است که در روزه و دعا قدرت وجود دارد. و اتفاقاً، روزه و دعا همیشه با هم همراه هستند.

شما هرگز در کتاب مقدس چنین روزه‌داری را برای اهداف پزشکی یا هر چیز دیگری نخواهید دید. نه، نه دعا و روزه همیشه با هم مرتبط هستند.

از غذا خوردن کمی فاصله بگیرید و از آن زمان برای دعا در مورد یک چیز خاص استفاده کنید. و کتاب مقدس می‌گوید که قدرت بزرگی در این کار وجود دارد. و این کاری است که عزرا اینجا انجام می‌دهد.

او روزه را با دعا ترکیب می‌کند. ضمناً، نعمتاً این کار را می‌کند. دانیال این کار را می‌کند.

آنا، در لوقا فصل ۲، این کار را می‌کند. اگر در مورد کلیسای اولیه در اعمال رسولان فصل‌های ۱۳ و ۱۴ بخوانید، همیشه دعا و روزه را با هم دارید. دوباره، به سخنان عیسی برگردید.

یادتان باشد، شاگردان یحیی از عیسی می‌پرسیدند، هی، چرا شاگردانت روزه نمی‌گیرند؟ و عیسی می‌گوید، آیا مهمانان عروسی می‌توانند تا زمانی که داماد با آنهاست، عزاداری کنند؟ روزهایی خواهد آمد که داماد از آنها گرفته می‌شود و آن وقت آنها روزه خواهند گرفت. بنابراین، برای عیسی، روزه گرفتن یک انتظار مسیحی است. و من عاشق این آیه هستم.

خدا به التماس ما گوش داد. بزرگترین دلگرمی. خدا به دعا‌های ما گوش می‌دهد.

خدای ما ناشنوا نیست. خدای ما خدای تراشیده شده از گرانبه نیست که اهمیتی ندهد. خدا به دعا می‌دهد. فرزندانش گوش می‌دهد.

وقتی عزرا و هموطنانش دعا و روزه می‌گرفتند، قدرت دعا و روزه را که در پاسخ خدا به دعا آشکار می‌شد تجربه می‌کردند. و سپس در آیات ۲۴ تا ۳۰، دوباره، ما در اینجا نگهبانان نقره و طلای خدا را داریم. باز هم، عزرا در سبک رهبری خود، ۱۲ نفر از کاهنان برجسته را جدا می‌کند و آنها نگهبانان نقره و طلا هستند.

بنابراین، آیه ۲۵ می‌گوید

و نقره و طلا و ظروفی را که پادشاه و مشاورانش و اربابانش و تمامی اسرائیلیان حاضر برای خانه خدای ما **۲۵** و ظروف نقره به ارزش ۲۰۰ تالان **۲۶** آورده بودند، به ایشان وزن کردم. **۲۶** من **۶۵۰** تالان نقره به ارزش تالان طلا به دست آنها دادم، **۲۷** ۲۰ جام طلا به ارزش ۱۰۰۰ دریک، و دو ظرف از برنز خالص و ۱۰۰ درخشان به گرانبه‌ای طلا. **۲۸** و به ایشان گفتم: «شما برای خداوند مقدس هستید و ظروف مقدس هستند و نقره و طلا هدیه‌ای داوطلبانه برای خداوند، خدای پدران، می‌باشند. **۲۹** آنها را حفظ کن و تا زمانی که آنها را در اورشلیم، در حجره‌های خانه خداوند، در حضور کاهنان اعظم و لایوان و سران خاندان‌های اسرائیل وزن کنی، از آنها محافظت نما. **۳۰** پس کاهنان و لایوان وزن نقره و طلا و ظروف را بر عهده گرفتند. تا آنها را به اورشلیم، به خانه خدای ما، بیاورند.

باز هم، منظور از طلا و نقره در اینجا مقدار زیادی طلا و نقره است و مقدار زیاد نقره و طلایی که در اختیار داشتند، عزرا را بر آن داشت تا کاهنان برجسته را به عنوان نگهبانان این گنج عظیم منصوب کند. برخی از محققان به دلیل بالا بودن اعداد، در صحت این متن تردید دارند.

ما داریم درباره سه و نیم تن طلا و ۲۴ و نیم تن نقره صحبت می‌کنیم. و برخی گفتند، وای، این نمی‌تواند دقیق باشد. با این حال، می‌بینیم که قوم خدا همیشه در کار خدا سخاوتمند هستند.

و وقتی تعداد افرادی را که از مصر خارج شدند و برخی از تبعید به اسرائیل بازگشتند در نظر می‌گیرید، فکر می‌کنم می‌توان به کلام خدا اعتماد کرد. آنچه در اینجا از همه مهم‌تر است، باز هم این است که این افراد برای خداوند مقدس هستند. شما برای انجام این کار خدمت، برگزیده شده‌اید.

عبارت «مقدس برای خداوند» نیز از اسفار پنجگانه تورات سرچشمه می‌گیرد و ابتدا در رابطه با تعیین کاهنان، توسط خداوند برای خدمت در خیمه و بدیهی است که بعداً در معبد ظاهر می‌شود. اما این عبارت مقدس برای خداوند»، تنها یک بار دیگر در عزرا و نحμία آمده است. و در نحμία ۸ آیه ۹ به روزی اشاره» دارد که برای خداوند مقدس است، روزی مقدس برای خداوند.

باید به بنی اسرائیل یادآوری می‌شد که آنها در پیشگاه خداوند از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. آنها برای خداوند مقدس هستند. قرار نیست آنها مانند سایر ملت‌ها باشند، اما از نظر قومی برای خدا جدا شده‌اند.

و درست مانند اسفار پنجگانه، نه تنها مردم برای خداوند مقدس هستند، بلکه هدایا و ظروف نیز برای اهداف مقدس کنار گذاشته شده‌اند. و سپس، پایان فصل ۸ به ما می‌گوید که سفری که آنها آغاز کردند در فصل ۸ به پایان می‌رسد. بنابراین، سفر در فصل ۷ آغاز شد. عزرا و مردم در پایان فصل ۸ به اورشلیم می‌رسند. سپس، ما در روز دوازدهم ماه اول از رودخانه اهو حرکت کردیم تا به اورشلیم برویم. دست خدای ما با ما بود و او ما را از دست دشمن و از کمین‌های سر راه نجات داد.

ما به اورشلیم رسیدیم و سه روز آنجا ماندیم. پس همه چیز را شمردند. همه چیز را وزن کردند.

آیه ۳۵.

در آن زمان، کسانی که از اسارت بازگشته بودند، یعنی تبعیدیان بازگشته، قربانی‌های سوختنی به خدای ۳۵ اسرائیل تقدیم کردند، دوازده گاو نر برای تمامی اسرائیل، نود و شش قوچ، هفتاد و هفت بره و دوازده بز نر به عنوان قربانی گناه. همه اینها قربانی سوختنی برای خداوند بود. 36 ایشان همچنین فرمان‌های پادشاه را به امرای پادشاه و والیان ماوراءالنهر می‌رساندند. همه مردم و خانه خدا کمک می‌کردند.

بنابراین، پس از ۱۲ روز که آنها در این کانال رودخانه فرات گذراندند، عزرا و همراهانش سرانجام به اورشلیم رسیدند.

چرا؟ چون دست خدا بالای سرشان بود. خدا از آنها محافظت می‌کرد و خدا برایشان روزی می‌فرستاد. پرستش احیا شده است.

قربانگاه ساخته شده است. آنها می‌توانند برای خداوند قربانی کنند. و باز هم، تعداد گاوهای که در اینجا برای قربانی استفاده می‌شوند را داریم.

فصل هشتم دو درس مهم رهبری به ما می‌آموزد. باز هم، برای مسیحیان امروزی و به ویژه برای رهبران مسیحی امروزی. اول، فروتنی.

دوم، صداقت. در مورد عزرا، دوباره، این فروتنی در تفویض اختیار مشاهده شد. این فروتنی در دعوت به روزه و توکل به خدا دیده می‌شد.

او نمی‌گوید، من می‌توانم این کار را انجام دهم. او می‌گوید، پروردگارا، من نمی‌توانم این کار را جدا از تو انجام دهم. این فروتنی است.

اما بخش درستکاری نیز بسیار مهم است. درستکاری عزرا را می‌توان در این واقعیت دید که او مراقبت از هدایای خانه خدا را به دیگران واگذار می‌کند، با این درک که هم هدایا و هم کسانی که آن را حمل می‌کنند باید برای خداوند مقدس باشند. همه شما از تاریخ و احتمالاً از نمونه‌های خودتان می‌دانید که مردان خدا چند بار به دلیل نداشتن درستکاری شکست می‌خورند.

و آنها نه تنها فروتنی ندارند، بلکه درستکاری هم ندارند. و درگیر مسائل مالی می‌شوند که نباید درگیر آنها شوند. در اینجا، عزرا نمونه‌ای از درستکاری را به ما نشان می‌دهد، جایی که او آن کار را به کسانی که برای خداوند مقدس هستند، واگذار می‌کند.

شاید در کلیسای امروزی حکمتی وجود داشته باشد که احتمالاً کشیش نباید دست در خزانه داشته باشد. کشیش باید با رؤیا، موعظه و آموزش کلام خدا سر و کار داشته باشد. اما من فکر می‌کنم عزرا نمونه‌ی بسیار خوبی از فروتنی و درستکاری است. و امیدوارم امروز بتوانیم از او درس بگیریم. این دکتر تیبریوس راتا است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های عزرا و نحمیا است. این جلسه ۴، عزرا ۷- است. ۸